



Jurisprudential and Legal Examination of the Use of Electronic Systems in Holding Court Sessions

Maryam Mohajeri

Assistant Professor of Law, Faculty of Family Science, University of Teheran, Tehran, Iran
mohajeri.m@ut.ac.ir

Use your device to scan
and read the article online



Citation Maryam Mohajeri. [Jurisprudential and Legal Examination of the Use of Electronic Systems in Holding Court Sessions (Persian)]. [Islamic Law \(A Quarterly Journal of Law\)](#). 2025; 22 (85): 73-111

 [10.22034/ilaw.2025.708736](https://doi.org/10.22034/ilaw.2025.708736)

Received: 02 February 2025 , Accepted: 24 May 2025

Abstract:

In today's fast-paced world, electronic devices have become an integral part of our lives, streamlining various tasks and enhancing efficiency. This technological advancement extends to the realm of legal proceedings, where conducting court hearings through electronic means offers a promising solution to expedite the litigation process. This approach is particularly vital during times when in-person sessions may pose risks, such as during emergencies like the COVID-19 pandemic, which highlighted the dangers of traditional courtroom settings. This study delves into the legitimacy of utilizing electronic systems for court sessions within the legal framework of the Islamic Republic of Iran. By employing a descriptive-analytical method and conducting thorough library research, the author seeks to explore both jurisprudential and legal perspectives on this pressing issue. The findings suggest that while electronic hearings are permissible, there are inherent limitations associated with technology that may impact the quality of litigation in certain cases. Consequently, it becomes essential to recognize that some types of cases may still require in-person attendance to ensure justice is served effectively.

Keywords

Electronic litigation, in-person litigation, remote hearings, delay in proceedings.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>),

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتمال جامع علوم انساني



بررسی فقهی و حقوقی بکارگیری سامانه‌های الکترونیک در برگزاری جلسات دادرسی

مریم مهاجری

استادیار حقوق گروه سیاست‌گذاری خانواده‌محور دانشکده علوم خانواده دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mohajeri.m@ut.ac.ir



Citation Maryam Mohajeri. [Jurisprudential and Legal Examination of the Use of Electronic Systems in Holding Court Sessions (Persian)]. [Islamic Law \(A Quarterly Journal of Law\)](#). 2025; 22 (85): 73-111
[10.22034/ilaw.2025.708736](https://doi.org/10.22034/ilaw.2025.708736)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

چکیده

امروزه بهره‌گیری از وسایل الکترونیکی در زندگی عموم شهروندان افزایش یافته و به کارها سرعت بخشیده است. این وسایل در دادرسی هم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برگزاری جلسات رسیدگی به دعاوی قضائی از طریق وسایل الکترونیکی، موجب تسریع در روند دادرسی می‌شود. این نحوه دادرسی، زمانی که برگزاری جلسه حضوری مخاطره‌آمیز است، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ مانند زمانی که در اثر شرایط اضطراری همچون وضعیت ناشی از انتشار ویروس کرونا، امکان برگزاری جلسات دادرسی به صورت حضوری، محدود و شاید خطرناک است. یکی از مباحث چالش‌برانگیز درباره دادرسی الکترونیک مربوط به جلسه دادرسی است. نگارنده در پژوهش کنونی درصدد است با روشی توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای مشروعیت برگزاری جلسه دادرسی را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سامانه‌های الکترونیکی، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از منظر فقه و حقوق بررسی نماید. دستاورد پژوهش حکایت از مجاز بودن برگزاری این نوع جلسات دارد، لیکن محدودیت‌های وسایل الکترونیک، در برخی دعاوی موجب کاهش سطح دادرسی می‌شود؛ بنابراین جلسه رسیدگی به بعضی دعاوی لازم است به شیوه حضوری برگزار گردد.

واژگان کلیدی

دادرسی الکترونیک، دادرسی حضوری، دورسخنی، اطاله دادرسی.



۱. مقدمه

امروزه افزایش دعاوی مطروحه در دادگاه ها، دستگاه قضا را با معضلات و مشکلاتی جدی مواجه کرده؛ ازجمله اینکه سرعت دادرسی بسیار کاهش یافته است؛ به نحوی که گاهی رسیدگی و صدور حکم برخی دعاوی نسبتاً ساده نیز چندین سال به طول می انجامد و به این ترتیب، کیفیت دادرسی کاهش می یابد. برای افزایش سرعت و بهبود کیفیت دادرسی دکتترین حقوق همواره در تلاشند راههایی را بیابند که ذی حق، بتواند در کوتاه ترین زمان و به بهترین حالت ممکن، به حقوق خود دست یابد. با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، ابزارهایی در اختیار بشر قرار گرفته که استفاده از آنها موجب تسریع در روند پیشبرد امور می شود. اهمیت فناوری اطلاعات به لحاظ افزایش سرعت و دقت در عملکرد سازمان ها و بالابردن بهره وری آنها به روشنی مشخص شده است. خصوصاً سازمان هایی که بخش های مختلف آنها یا مخاطبان شان در مناطق جغرافیایی مختلفی قرار دارد و یا مؤسسه ای که موظف به انجام کارهای متنوع و متعددی هستند، بسیاری از مشکلات خود را از طریق این ابزارهای نوپدید رفع می کنند. عرصه قضا نیز از این امر بی نصیب نمانده است و سعی نموده که با بهره گیری از فناوری های نوین، چتر عدالت قضایی را با سرعت بیشتری بگستراند. یکی از این ابزارها، سامانه های ارتباطی همچون ویدئوکنفرانس است که با بهره گیری از آن، شرکت کنندگان در دادرسی اعم از قضات، طرفین دعوی، وکلای ایشان و شهود و... می توانند به صورت برخط در جلسه دادرسی شرکت نمایند (موسوی و مهاجری، ۱۴۰۱، ص ۱۲). امروزه بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه قضا به قدری اهمیت دارد که برخی حتی آن را به عنوان شاخصی پویا در اندازه گیری کیفیت دادرسی در قوه قضاییه قلمداد کرده اند (Fabri & Contini, 2003 p.2).

عمده تمرکز مطالعات نگارندگان در نوشتار حاضر، بررسی ظرفیت های

فقهی و حقوقی تشکیل جلسه رسیدگی به صورت الکترونیک در این حوزه می‌باشد. بدین ترتیب در راستای این موضوع، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش آن هستند که آیا برگزاری جلسات رسیدگی به دعاوی، طبق زیرساخت‌های فقهی و قوانین و مقررات موجود، از طریق امکاناتی همچون دادرسی الکترونیک قابل پذیرش است؟ پاسخ به این سؤال، نگارندگان را به این امر رهنمون می‌سازد که اگر طبق زیرساخت‌های فقهی و ظرفیت‌های حقوقی، امکان برگزاری جلسه رسیدگی الکترونیک از طریق ویدئو کنفرانس در محاکم، وجود داشته باشد؛ می‌توان ملتزم به پذیرش دادرسی الکترونیکی در محاکم و تمامی لوازم قانونی آن شد. بنابراین از آن‌جا که چالش برانگیزترین مباحث راجع به دادرسی الکترونیک، ناظر به برگزاری جلسه دادرسی از این طریق می‌باشد، اهتمام نگارندگان بر این امر است. مطالعه پژوهش پیش‌رو برای فعالان عرصه حقوق رسانه و ارتباطات و به صورت خاص برای قضات مفید می‌باشد.

۲. مفهوم دادرسی الکترونیک

دادرسی الکترونیکی به معنای استفاده از سیستم الکترونیکی و انجام اقداماتی به روشی غیر از روش سنتی می‌باشد؛ لذا «دادرسی الکترونیکی» به معنی تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تغییر در شکل رسیدگی است. در این نوع از دادرسی، اصل بر حضور غیرفیزیکی در طول دادرسی و محاکمه است. جهت تحقق این امر نیز از فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی استفاده می‌شود. بدین صورت که از طرح دعوی تا رسیدگی و محاکمه و صدور حکم، روند دادرسی به شیوه الکترونیکی و غیرحضوری انجام می‌گیرد و اشخاص دخیل در پرونده از طریق رایانه و ارتباط از راه دور در جلسه محاکمه حاضر می‌شوند (حسین‌زاده علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸)؛ لذا در مفهوم دادرسی الکترونیک باید گفت: «منظور از دادرسی الکترونیکی،

بهره‌برداری از ابزارها و روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی در دادگاه و انجام فرایند دادرسی از تسلیم دادخواست و شکوائیه و ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی، دلایل، صدور رأی و اجرای آن است» (زرکلام، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

۳. پیشینه دادرسی الکترونیک

الکترونیکی شدن رسیدگی‌ها، روندی است که بیش از یک دهه در برخی کشورهای پیشرفته به کارگرفته می‌شود (حسین‌زاده علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). یکی از کشورهایی که در زمینه بهره‌گیری از دادرسی الکترونیکی و سامانه‌های ویدئو کنفرانس پیشگام بوده است، ایالت متحده آمریکا می‌باشد. در ایالت متحده آمریکا، برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ ویدئوکنفرانس برای جلسه تعیین قرار در دادگاه ایلینز مطرح شد. پس از آن در سال ۱۹۷۴ دادگاه فیلادلفیا روش تلویزیونی مداربسته را برای جلسه مقدماتی دادگاه بهره برد. دادگاه فلوریدا در سال ۱۹۸۳ این روش را برای جرایم جنحه نیز به کار برد (Haas, 2007, p.62).

اولین قوانین مرتبط با این امر نیز در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانون اصلاح دعاوی مرتبط با حبس مطرح شد. این قانون امکان طرح دعاوی افراد بازداشت شده را از طریق تلفن، ویدئو کنفرانس یا سایر تکنولوژی‌ها، بدون انتقال فرد از زندان به دادگاه، پیش‌بینی کرده بود. در سال ۱۹۹۶ امکان طرح ویدئو کنفرانس در دعاوی مدنی به میان آمد و در سال ۲۰۰۱ قانونی وضع شد که به موجب آن امکان برگزاری دادگاه از طریق ویدئو کنفرانس فقط در برخی جرایم وجود داشته باشد (Treadway and Wiggins, 2006, p.213).

سابقه زیاد این کشور، در بهره‌گیری از دادرسی الکترونیک باعث شده که اکنون به شکل کارآمدتری با این موضوع برخورد کنند؛ کما اینکه هرکشوری وقتی در یک موضوع سابقه بیشتری داشته باشد، معمولاً موفقیت‌های

بیشتری نیز در آن زمینه به دست می‌آورد. همچنین شایان ذکر است جلسه دادرسی در خصوص امور حقوقی به صورت ویدیو کنفرانس نیز در این کشور صورت گرفته است (مهرافشان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲-۱۲۳).

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور استونی نیز، منجر به ایجاد شبکه ویدیو کنفرانس سیستم دادگستری شد. این سیستم در فوریه ۲۰۰۵ آغاز و تا دسامبر ۲۰۰۶ راه اندازی گردید. با راه اندازی این سیستم، امکان ارتباط دور دادگاه با متهم، وکیل، شاهد و کارشناس فراهم گردید (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

در کشور چین نیز در سال ۲۰۱۷ اولین دادگاه اینترنتی در شهر هانگژو واقع در استان ژجیانگ شروع به کار کرد. در این دادگاه به دعاوی راجع به تجارت آنلاین، قراردادهای آنلاین مربوط به بدهی‌ها و نقض حقوق مؤلفان در اینترنت، به صورت زنده و با پخش زنده اینترنتی رسیدگی می‌شد (<https://www.yjc.ir/fa/news/6208005>). مدتی بعد، دومین دادگاه اینترنتی این کشور در پکن فعالیت خود را آغاز نمود. این دادگاه به پرونده‌هایی راجع به موضوعاتی همچون نقل و انتقال مالی، وام، حق ثبت و تکثیر در فضای مجازی و... می‌پردازد (<https://www.yjc.ir/fa/news/6663148>).

در جمهوری اسلامی ایران نیز در تابستان ۱۳۸۰ رئیس قوه قضائیه مأموریت بررسی مشکلات و مسائل موجود در این قوه را به یک تیم نوزده نفره متشکل از شش نفر کارشناس مسائل سیستمی و ۱۳ نفر کارشناس حقوقی سپرد تا آنان با حضور در مجتمع قضایی شمیران به بررسی سیستمی و گردش پرونده در آن محل بپردازند. نتیجه تلاش یک ساله این گروه، انتشار سیزده جلد کتاب مطالعات استراتژیک، یک جلد مطالعات تطبیقی از بیست کشور و یک جلد کتاب «تحلیل و بررسی مشکلات موجود و راهکارهای آینده» بود (حسین‌زاده علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰).

در این کتاب‌ها مسائل و مشکلات بر سر راه توسعه قضایی کشور به تصویر کشیده شده بود و هشت استراتژی برای حل این مشکلات

پیشنهاد شد؛ بر همین اساس نیز طرح ده ساله توسعه قضایی نیز ارائه شد. مکانیزه کردن قوه قضائیه یکی از استراتژی‌ها بود. به منظور تحقق این امر، چندین طرح تعریف شد. یکی از این طرح‌ها، دادگاه الکترونیک بود. به همین دلیل، قوه قضائیه در سال ۱۳۸۱ طرح سیستم مدیریت پرونده قضائی را مطرح کرد. این سیستم که از آن به عنوان دادرسی الکترونیک یاد می‌شد، بر الکترونیکی شدن برخی از مراحل دادرسی استوار بود، اما با وجود تعریف کارکردهای متعدد برای این سیستم، در ابتدا قوه قضائیه از این سیستم فقط برای جابجایی اطلاعات و انجام امور اداری خود استفاده می‌کرد. اما بعداً در سال ۱۳۹۱ با انتشار آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیکی قضایی، امکان استفاده مردمی از این سیستم را نیز فراهم آورد. این آیین‌نامه جهت الکترونیکی کردن و سرعت بخشیدن به دادرسی موارد متعددی نظیر ایجاد دفاتر الکترونیکی مربوطه، طرح و ثبت دعاوی حقوقی و کیفری، امضا، ابلاغ، احضار الکترونیکی و دریافت هزینه دادرسی به صورت الکترونیکی را به دفاتر خدمات قضایی محول نمود (همان).

سال ۱۳۹۲ نقطه عطفی در نظام کیفری ایران بود. در این سال، به موجب ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، بهره‌گیری از ویدیو کنفرانس و سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی پیش بینی شد. در همین سال قانون آیین دادرسی کیفری تصویب شد که در بخشی از آن (مواد ۶۴۹-۶۶۳) به آیین دادرسی الکترونیکی پرداخته شد. در ماده ۱۷۵ این قانون استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را بلامانع اعلام نمود و بالاخره در سال ۱۳۹۵ در راستای اجرای این ماده و ماده ۱۷۶ با تأخیری چند ساله، «آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» به تصویب رئیس وقت قوه قضائیه رسید.

۴. ضرورت الکترونیکی شدن دادرسی

افزایش دعاوی در محاکم، دستگاه قضا را با مشکلاتی روبرو کرده است

که از جمله کندشدن روند دادرسی و اطاله پرونده‌ها از مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی دعاوی در محاکم است. اطاله دادرسی، کیفیت دادرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دکترین حقوق، برای جلوگیری از اطاله دادرسی و بهبود هر چه بیشتر کیفیت دادرسی، همواره در پی راهکارهایی هستند که باعث تسریع در روند دادرسی می‌شود؛ البته منظور از تسریع در روند دادرسی این است که حتی الامکان در دادرسی گام‌هایی سریع برداشته شود؛ بدون اینکه حقوق اساسی فرد، مانند اصل برائت، حق دفاع و نظم قضایی صدمه‌ای ببیند (خزایی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳).

یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که می‌تواند به افزایش سرعت و در نتیجه کیفیت بهتر دادرسی کمک کند، به کارگیری سامانه‌های الکترونیکی است. همچنین در مواردی که محل اقامت طرفین دعوی، محل اقامت شهود و محل دادگاه صالح، شهرهای متفاوتی باشد. پرواضح است که بدون استفاده از امکانات الکترونیکی، رسیدگی به چنین دعوائی با صعوبت زیادی همراه می‌باشد، عدالت با تأخیر زیادی اجرا می‌شود و شاید ذی‌حق حتی ناچار به صرف نظر از حقوق خود شود. پس دادرسی الکترونیک می‌تواند یاریگر دستگاه قضا برای اقامه عدالت و یاریگر ذی‌حق برای رسیدن به عدالت باشد. فرض کنید که دعوائی بین دو نفر شکل بگیرد؛ درحالی‌که محل سکونت آن دو، از هم دور باشد. در این زمان، باید براساس قواعد پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه صالح، تعیین شود و سپس همان دادگاه رسیدگی را آغاز نماید. پرواضح است که رفت و آمد به شهرهای دوردست، با سختی‌ها و موانع متعددی روبرو است و به همین دلیل، معمولاً اصحاب دعوی سعی دارند دادگاه مستقر در آن حوزه قضایی که خودشان در آن ساکن هستند، به عنوان دادگاه صالح معرفی نمایند. نگارنده کراً با افرادی مواجه شده است که به دلیل بعد مسافت، هزینه مسافرت و... نتوانسته‌اند در دادگاه صالح حضور یابند

و به همین دلیل نیز محکوم شده‌اند یا از طرح دعوی منصرف شده‌اند. این درحالی است که اگر جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی برگزار گردد، اصحاب دعوی مجبور به مسافرت و پرداخت هزینه‌های آن نمی‌شوند (Robertson, 2012, p.3). بعضاً در رویه عملی دیده می‌شود شخصی که در حوزه قضایی محل استقرار دادگاه سکونت دارد، به این امتیاز به‌عنوان برگ برنده می‌نگرد. در چنین زمانی، بسیاری از شهروندان ترجیح می‌دهند که همه مراحل دادرسی یا قسمت عمده آن از طریق سامانه‌های الکترونیکی باشد. علاوه بر این، بهره‌گیری از ظرفیت دادرسی الکترونیکی در شرایط اضطراری که امکان دسترسی به دادرسی حضوری نباشد، مانند زمانی که شیوع ویروس کرونا در کشور، ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند. خصوصاً که در دنیای معاصر بسیاری از مردم، ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی، قسمت زیادی از فعالیت‌های خود را خصوصاً در حوزه امور اقتصادی و خدماتی، با بهره‌گیری از ظرفیت سامانه‌های الکترونیکی انجام می‌دهند و آثار مورد انتظار را نیز برای آنان به دنبال داشته است (موسوی و مهاجری، ۱۴۰۱، ص ۱۸). برخی از مزایای بهره‌گیری از سامانه‌های ارتباطی در دادرسی عبارت است از: کاهش بار مالی ناشی از دادرسی که بر اصحاب دعوی و بر دستگاه قضا تحمیل می‌شود؛ افزایش سرعت دادرسی؛ شفافیت دادرسی؛ کاهش فساد اداری؛ کاهش اندازه فیزیکی مخازن اطلاعات، امکان ذخیره اتفاقات رخ داده در دادگاه، قابلیت پخش مکرر اتفاقات دادگاه، محدود نبودن این نحوه دادرسی به مرزهای جغرافیایی (شبانی، ۱۳۸۷، ص ۵/ 214، Hornle, 2009). برگزاری جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های الکترونیکی، گرچه مزایای متعددی به همراه دارد، اما با حساسیت‌ها و چالش‌های ویژه‌ای نیز همراه است. سخت‌شدن اثبات صحت و سقم سخنان اصحاب دعوی برای قاضی، عدم مواجهه اصحاب دعوی با یکدیگر و با شهود، عدم انتقال احساسات و احساس عدم حضور

در دادگاه واقعی، از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که جلسه دادرسی الکترونیکی با آن مواجهه است. این آسیب‌ها بر محتوای آرای صادره از محاکم تأثیر منفی می‌گذارد و می‌تواند صحت آرای صادره از محاکم را با تردیدهای جدی مواجه سازد (موسوی و مهاجری، ۱۴۰۱، ص ۲۴).

۵. واکاوی ظرفیت‌های فقهی دادرسی الکترونیک در دعاوی

در این قسمت در گام اول، شرطیت حضور را در منابع فقهی مورد بررسی قرار داده و در صورتی که شرطیت «حضور» در دادرسی از طریق منابع فقهی ثابت نشد می‌توان در گام بعدی همین مفهوم حضور را در دادرسی توسعه بخشید. به عبارت دیگر به امکان‌سنجی توسعه مفهوم حضور پرداخته می‌شود زیرا آن‌چه در بحث دادرسی الکترونیکی کارگشا می‌باشد، نیل به توسعه مفهوم حضور است.

۵.۱. بررسی فقهی شرط حضور و موضوعیت یا طریقت آن در دادرسی

اگر ثابت شود در دیدگاه شارع، حضور مترافعین نزد حاکم موضوعیت دارد دادرسی الکترونیکی باید منحصر به موارد ضرورت شود و اگر طریقت ثابت شود باید به دنبال تهیه سازوکارهای کاهش ضریب خطا در دادرسی الکترونیکی بود. هر چند این سازوکارها برای فرض موضوعیت و شرایط اضطرار نیز نافع است؛ ولی برای فرض طریقت ضرورت و حتی شرطیت می‌یابد. طبیعتاً تحقیق این مطلب از طریق بررسی نصوص و آراء و فتاوا باید انجام شود. در این قسمت، در پی آن بوده که آیا حضور فیزیکی طرفین دعوا یا شاهد نزد حاکم در منابع شرعی، شرط است یا خیر؟

۵.۱.۱. مطالعه روایات

عمده روایاتی که وظایف قاضی در دادرسی را نشان می‌دهد، در جلد ۲۷ کتاب وسائل الشیعه در دو بخش کتاب قضاء و کتاب شهادات آمده است. کتاب مشتمل بر ۳۶ باب حدیث و کتاب شهادات مشتمل بر ۵۶

باب حدیث در مورد کیفیت حکم می‌باشد. مرور عناوین ابواب ۹۲ گانه و مطالعه احادیث در هر باب ثابت می‌کند: اولاً ادله از جهت شرط حضور _ در مقابل غیر حضوری و مجازی _ نزد قاضی، اطلاق داشته و در هیچ یک از ادله، مشافهه حاکم با طرفین یا با بینه ذکر نشده است و قید مشافهه در لسان ادله نیامده است. دلالت‌های نصی یا ظهوری روایات پیرامون فروعات قضاء و شهادت، نظیر شرایط و وظایف اطراف محکمه، صفات قاضی، آداب قضاوت، کیفیت حکم، حرمت رشوه، موارد جواز حبس، کیفیت احلاف اخرس، کیفیت حکم علیه غائب، شیوه حلف، یمین منکر و موارد متعدد دیگری می‌باشد. نمونه‌هایی از این روایات، عبارتند از:

الف) امیرالمومنین علی(ع): «احکام مسلمانان (در امر قضا) بر پایه شهادت عادل یا سوگند قطعی یا سنت امامان(ع) است»^۱.

ب) پیامبر(ص) «بر عهده مدعی بینه و بر عهده منکر یمین و صلح نیز جایز است به جز صلح خلاف حلال و حرام الهی»^۲.

ج) امام حسن عسکری(ع): روش رسول خدا(ص) چنین بود که هرگاه متخاصمین نزد ایشان می‌رفتند از مدعی می‌خواستند بینه بیاورد اگر بینه نداشت منکر را قسم می‌دادند و اگر شهود را نمی‌شناختند مشخصات‌شان را می‌پرسیدند و این مشخصات و نام طرفین دعوی و نام شهود را در اختیار دو تن از اصحاب خود قرار می‌دادند. اصحاب نزد قبائل شهود می‌رفتند و اگر قبائل شهود را تایید می‌کردند که مطابق شهادت شهود حکم می‌کردند و اگر قبائل شهود را تایید نمی‌کردند طرفین دعوی را به صلح می‌خواندند و اگر شهود از غرباء بودند و قبیله‌ای نداشتند از مدعی علیه می‌پرسیدند اگر

۱. باب کیفیت حکم و احکام دعوا: در باب اول (ان الحكم بالبینة و الیمین) روایت ششم از امیر المومنین علی(ع): «احکام المسلمین علی ثلاثة شهادة عادلة أو یمین قاطعة أو سنة ماضية من ائمة الهدی(ع)» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۳۱).

۲. در باب سوم (ان البينة علی المدعی و الیمین علی المدعی علیه فی المال و حکم دعوی القتل و الجرح و ان بینه المدعی علیه لا تقبل مع التعارض و غیره) روایت پنجم از پیامبر(ص): البینه علی المدعی و الیمین علی المدعی علیه و الصلح جائز بین المسلمین الا صلحا احل حراما او حرم حلالا (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۳۴).

مدعی علیه شهود را از جهت وثاقت تایید می‌کرد مطابق شهادت شهود رای می‌دادند و اگر تایید نمی‌کرد مدعی علیه را نسبت به رد ادعای مدعی سوگند می‌دادند.^۱

(د) امام صادق(ع): وقتی بین دو متخاصم با هم تعارض کردند امام به حکم قاعده ید رفع تعارض کردند و فرمودند اگر اماره ید نبود دابه را بین شما نصف می‌کردم.^۲

(ه) امام صادق(ع): در ولایات و شهادتات و امر قضاء وقتی شرایط کلی مامون بودن برقرار باشد تحقیق بیشتر لازم نیست و باید بر همان حکم کرد.^۳ لسان روایات نشانگر آن است که آن‌چه نزد شارع موضوعیت دارد، احقاق

۱. در باب ششم (أَنَّ الْحَاكِمَ إِنْ عَرَفَ عَدَالَةَ الشُّهُودِ حَكَمَ وَإِنْ عَرَفَ فُسْقَهُمْ لَمْ يَحْكَمْ وَإِنْ اشْتَبَهَ عَلَيْهِ سَأَلَ عَنْهُمْ حَتَّى يَعْرِفَهُمْ شَاهِدَانِ أَوْ يَحْضُرَ الشَّيْءُ وَكَيْفِيَّةُ السُّؤَالِ وَالتَّعْرِيفِ وَاسْتِجَابَاتُ التَّزْغِيبِ فِي الصَّلْحِ)، روایتی مطابق عنوان باب است و اجمالاً می‌فرماید: روایت از امام عسکری(ع): كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا تَخَاصَّمَ إِلَيْهِ رَجُلَانِ قَالَ لِلْمُدَّعَى الْكَ حُجَّةٌ فَإِنْ أَقَامَ بَيِّنَةً يَرْضَاهَا وَ يَعْرِفُهَا أَتَقْدَّ الْحُكْمَ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بَيِّنَةٌ خَلَفَ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ بِاللَّهِ مَا لَهَذَا قَبْلَهُ ذَلِكَ الَّذِي ادَّعَاهُ وَلَا شَيْءَ مِنْهُ وَإِذَا جَاءَ شُهُودٌ لَا يَعْرِفُهُمْ يَخِيرُ وَلَا شَرَّ قَالَ لِلشُّهُودِ أَيْنَ قِبَالُكُمْ فَيَصِفَانِ أَيْنَ سَوْكُكُمْ فَيَصِفَانِ أَيْنَ مَنَزَلُكُمْ فَيَصِفَانِ ثُمَّ يَقِيمُ الْخُصُومَ وَ الشُّهُودَ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ بِأَمْرٍ (فَيَكْتُبُ أَسْمَاءَ الْمُدَّعَى وَالْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ الشُّهُودَ وَ يَصِفُ مَا شَهِدُوا) بِهِ ثُمَّ يَدْفَعُ ذَلِكَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ الْخِيَارَ ثُمَّ يَمْلِكُ ذَلِكَ إِلَى رَجُلٍ آخَرَ مِنْ خِيَارِ أَصْحَابِهِ ثُمَّ يَقُولُ لِيَذْهَبْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمَا مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ الْآخَرُ إِلَى قِبَالِهِمَا وَ أَسْوَاقِهِمَا وَ مَحَالَّتِهِمَا وَ الرِّبَاضِ الَّذِي يَبْزُلَانِهِ فَيَسْأَلُ عَنْهُمَا فَيَذْهَبَانِ وَ يَسْأَلَانِ فَإِنْ أَتَوْا خَيْرًا وَ ذَكَرُوا فَضْلًا رَجَعُوا إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَاجْتَرَاهُ أَخْضَرَ الْقَوْمَ الَّذِي أَتَوْا عَلَيْهِمَا وَ أَخْضَرَ الشُّهُودَ فَقَالَ لِلْقَوْمِ الْمُتَنِينَ عَلَيْهِمَا هَذَا فَلَانُ بْنُ فَلَانَ وَ هَذَا فَلَانُ بْنُ فَلَانَ أ تَعْرِفُونَهُمَا فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَيَقُولُ إِنْ فَلَانُ وَ فَلَانَا جَاءَانِي عَنْكُمَا فِيمَا بَيَّنَّا بِجَوْبِ وَ ذَكَرَ صَالِحٍ أَفَكُنَا قَالَا فَإِنْ قَالُوا نَعَمْ قَضَى حَبِيبٌ بِشَهَادَتِهِمَا عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَإِنْ رَجَعَا بِخَيْرٍ سَبَّيْ وَ ثَنَاءٍ قَبَّحَ دَعَا بِهِمْ فَيَقُولُ أ تَعْرِفُونَ فَلَانًا وَ فَلَانَا فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَيَقُولُ أَفَعُدُوا حَتَّى يَحْضُرَا فَيَقْعُدُونَ فَيَحْضُرُهُمَا فَيَقُولُ لِلْقَوْمِ أَ هُمَا هُمَا فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَإِذَا ثَبَتَ عِنْدَهُ ذَلِكَ لَمْ يَنْتَهِكْ (سِوَرُ الشَّاهِدِينَ) وَلَا عَابَهُمَا وَلَا وَبَّحَهُمَا وَ لَكِنْ يَدْعُو الْخُصُومَ إِلَى الصَّلْحِ فَلَا يَزَالُ بِهِمْ حَتَّى يَضْطَلِحُوا لَيْلًا يَفْتَضِحُ الشُّهُودُ وَ يَسْتُرُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ رُؤُوفًا رَحِيمًا عَطُوفًا عَلَى أُمَّتِهِ فَإِنْ كَانَ الشُّهُودُ مِنْ أَخْلَاطِ النَّاسِ غَرَبَاءَ لَا يَعْرِفُونَ وَلَا قَبِيلَةَ لَهُمَا وَلَا سُوقَ وَ لَا دَارَ أَقْبَلَ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَقَالَ مَا تَقُولُ فِيهِمَا فَإِنْ قَالَ (مَا عَرَفْنَا) إِلَّا خَيْرًا غَيْرَ أَنَّهُمَا قَدْ غَلَطَا فِيمَا شَهِدَا عَلَى أَتَقْدَّ شَهَادَتَهُمَا وَإِنْ جَرَّحَهُمَا وَ طَعَنَ عَلَيْهِمَا أَضْلَحَ بَيْنَ الْخُصْمِ وَ خُصْمِهِ وَ أَخْلَفَ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ قَطَعَ الْخُصُومَةَ بَيْنَهُمَا (حَرْزِ عَامِلِي، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۳۱).

۲. در باب ۱۲ (باب حکم تعارض البیتین و ما ترجح به احدهما و ما یحکم به عند فقد الترجیح) روایت سوم از امام صادق(ع): ان امیر المومنین(ع) اختصم الیه رجلان فی دابة و کلاهما اقاما البینه انه انتجها قضی بها للذی فی یده و قال لو لم تکن فی یده جعلتها بینهما نصفین (حَرْزِ عَامِلِي، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۵۰).

۳. در باب ۲۲ (باب ما یرجب الاخذ فیہ بظاهر الحکم) از امام صادق(ع): سألته عن البینه اذا اقيمت على الحق ایحل للقاضي ان يقضى بقول البینه (اذا لم يعرفهم من غير مسألة) فقال: خمسة أشياء يجب على الناس ان يأخذوا فیها بظاهر الحکم الولایات و التناکح و الموارث و الذبائح و الشهادات فاذا کان ظاهره مامونا جازت شهادته و لا یسأل عن باطنه.

حق و اجرای عدالت و جلوگیری کردن از تضییع حقوق آحاد است و روایات در مقام بیان اموری که لازمه تأمین این مهم هستند، قید محضر قاضی و مشافهه قاضی را ذکر نموده‌اند؛ بدین ترتیب اطلاق ادله از این جهت ثابت شده و مقدمات حکمت در اینجا تمام می‌شود. اگر گفته شود از روایات نمی‌توان اطلاق‌گیری کرد چون در آن زمان موضوع دادرسی مجازی وجود نداشته و در واقع شارع در مقام بیان از این جهت نبوده است. در پاسخ لازم است گفته شود:

اگر مجاز به معنای عدم حضور و عدم مشافهه و عدم معاینه باشد وقتی قید حضور از ادله به دست نیاید می‌توان گفت شارع مطلقاً حضور و عدم حضور را پذیرفته است و از جمله مجازی بودن هم ممضاه است. تذکر یک نکته در همین جا لازم است و آن اینکه با وجود کثرت روایات قضا و دادرسی و کثرت ابتلائی متشرعه به امر قضا اگر شارع دادرسی حضوری را لازم می‌دانست می‌فرمود و در واقع شارع در مقام بیان همه مقررات دادرسی بودند و اگر لازم بود، می‌فرمودند که لازم است مترافعین نزد قاضی بیایند اما نفرمودند. این که متهم نزد قاضی نباشد فرض محال نیست و اگر شارع چنین دادرسی را مشروع و نافذ نمی‌دانست قطعاً متذکر می‌شد. ولی این معنا در منطق و نه در مفهوم و نه در سیاق کلی احادیث باب مشاهده نگردیده است؛ اما اگر مجاز به معنای عدم حضور نباشد، اساساً اشکال منتفی ست. چرا که وقتی ملزومات دادرسی مجازی در حد مکفی فراهم شود و ارتباط شهود و طرفین دعوی با قاضی بمثابه یک ارتباط حضوری برقرار باشد می‌توان ادعا کرد دادرسی مجازی شیوه نوین دادرسی حضوری است. هر چقدر امکانات این قبیل جلسات الکترونیک ارتقا یابد و احاطه ناشی از یک جلسه غیر الکترونیک به جلسه الکترونیک انتقال یابد می‌توان به استناد طریقت «حضور» دادرسی مجازی را تایید شرعی نمود و در ضمن از مواهب متعدد آن نیز بهره مند شد. ضمناً باید توجه داشت تتبع لغت

«حضور» با روش استقرا در روایات قضا و شهادت نشان می‌دهد:
 الف) حضور حاکم در روایات در مقابل تعذر حاکم به معنای فقدان حاکم است و به معنای جلسه حضوری حاکم در مقابل جلسه مجازی حاکم نیست. این مطلب از سیاق روایات قضا و شهادت فهمیده می‌شود. یعنی یا طرفین دعوا دسترسی به حاکم ندارند (تعذر) و یا دارند که مقررات دادرسی قاضی در متن روایات آمده است.

ب) حضور مدعی یا متهم در روایات در مقابل حکم علیه غائب به کار رفته است که به معنای عدم دسترسی و متعذر بودن (نه متعسر بودن) حضور مدعی یا مدعی علیه است. در واقع حکم علیه غائب به معنی متهمی ست که در دسترس نیست و غائب است نه یعنی به شکل غیر حضوری به وی دسترسی هست.

ج) واژه‌ی «عند الحاکم یا عند الامام» و «لدى الحاکم یا عند الامام» و «حضور الحاکم یا حضور الامام» در روایات به کار نرفته است.

د) «احضار» و «یحضرون» که برای حضور یافتن طرفین دعوا به کار می‌رود. در واقع به معنای مراجعه و ارجاع ایشان به محکمه است و به معنای تحقق شرط حضور نیست. به عنوان مثال مرحوم سید احمد خواساری معتقد است بنا به اطلاق ادله قسم دادن مدعی علیه به اذن قاضی و در مجلس قضا باشد و می‌تواند بین خود متخاصمین بدون حضور قاضی باشد (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۳۳) و یا مرحوم شیخ انصاری معتقد است احضار مدعی علیه به محکمه به دنبال درخواست مدعی برای احضار وی و گرفتن جواب، از وظایف حاکم است (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۸۶) یافته‌های از این قبیل نشان می‌دهند حضور و احضار به معنای حضور و احضار در محکمه است و انجام محاکمه به شکل حضوری ست نه اینکه حضور یافتن از ارکان محاکمه و شرط دادرسی باشد.

بر این مطالب، ممکن است چهار اشکال فقهی و اصولی وارد شود که در

ذیل به اشکالات مفروضه پاسخ خواهیم داد
اولاً؛ ممکن است گفته شود که در تمام این موارد از بیان در لسان روایات، انصراف ظهوری «حضور حاکم» وجود داشته باشد و در نتیجه روایات از این جهت اطلاق ندارند؛ در پاسخ خواهیم گفت انصراف در جایی شکل می گیرد که برای لفظ چند معنا و برای موضوع چند حالت متصور باشد و معذک انصراف به یک معنای خاص یا حالت خاص رخ داده باشد و منشاء آن می تواند انس ذهنی یا غلبه وجودی فرد یا مصداق خاص باشد (صدر، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳۱ / مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۰۵ / جزایری، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۷۲۹)؛ این درحالی است که در زمان بیان روایات غلبه وجودی برای قضاوت حضوری متصور نیست و هر چه بوده حضوری است. در نتیجه ادعای انصراف روایات به دادرسی حضوری صحیح نمی باشد.

ثانیاً؛ اشکال دیگری که ممکن است بیان شود آن است که در زمان صدور روایات، فرض دادرسی غیر حضوری وجود نداشته است و در نتیجه جواز یا عدم جواز دادرسی غیر حضوری از امام معصوم (ع) پرسیده نشده و چنین موضوعی اساساً مطرح نشده است. در پاسخ باید گفت؛ رسالت امام (ع) و جایگاه احادیث به خودی خود فرازمانی و فرامکانی بوده است؛ لذا وقتی در هیچ یک از روایات شرط حضوری بودن محاکمه گذاشته نشده است، نتیجه آن می تواند حکم را برای زمانی که امکان دادرسی مجازی و غیر حضوری وجود دارد، مشخص کند و به دادرسی مجازی مشروعیت ببخشد.^۱

ثالثاً؛ حتی اگر تصور شود، نظر به ملاکاتی که مورد توجه امام (ع) است قضاوت و دادرسی باید به طور حضوری و فیزیکی انجام شود و ارتکاز متشرعه نیز همین معنا است و دلالت روایات برای قضاوت حضوری بوده

۱. روایات متعدد از این قبیل وجود دارد «حتی جاء محمد (ص) فجاء بالقرآن و شریعته و منهاجه فحاله حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۵۶).

است و بس؛ در پاسخ باید گفت می‌توان برای پاسخ به مصالح زمان معاصر از لزوم سرعت بیشتر در دادرسی تا اهمیت اجرای عدالت و احقاق حق در شرایطی که قضاوت حضوری ممکن نیست و یا مخاطرات عقلایی دارد به ظرفیت قابل توجه «اجتهاد در زمان و مکان» روی آورد. در این صورت تبدیل موضوع و قیود موضوع (چه به‌نحو توسعه چه به‌نحو تضییق) و نیز توسعه مناسبات باعث می‌شوند احکام فردی و اجتماعی در دو حیطه واقعی و ظاهری تغییر کنند. به‌عنوان مثال در دعاوی خانوادگی، موضوعی مانند دعوای نفقه در شرایط کنونی که مشکلات اقتصادی وجود دارد و زوج نمی‌تواند همه نیازهای مالی زوجه را برطرف نماید، نفقه ادامه تحصیل زوجه، مقدمه واجب اشتغال زوجه در آینده جهت برطرف نمودن نیازهای مالی‌اش است؛ لذا نفقه ادامه تحصیل زوجه با توجه به علتی که بیان شد، موضوع نفقه را توسعه بخشیده و از مصادیق نفقه به‌شمار آید. در اینجا مسلم است حضور فیزیکی طرفین نمی‌تواند مورد اعتنای شارع باشد و بررسی مدارک تحصیلی و مستندات اولیه زوجین امر را برای قاضی معلوم می‌کند.

رابعاً؛ در روایات کتاب قضاوت، بابی به‌عنوان «ما یجب الاخذ فیه بظاهر الحکم» وجود دارد که قاعده‌ای کلی از این باب قابل استفاده است. در این روایات^۱ از حاکم خواسته شده است به ظاهر حال و قرائن در موضعی مانند تناکح و انساب (غیرکیفری) اکتفا نماید. تحقیق در این زمینه مجال دیگری می‌طلبد ولی می‌توان منع شارع از جزیی‌نگری و لزوم اعتنای به ظواهر دارای حجیت را به‌دست آورد. نتیجه آن‌که در موضوع دادرسی الکترونیکی اگر ظواهر قرائن و مستندات می‌توانند محکمه پسند باشند، می‌تواند فارغ از قید حضور و مواجهه قاضی را به صدور رأی برسانند و در نتیجه قاعده اکتفا

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ النِّبْيَةِ إِذَا أُقِيمَتْ عَلَى الْحَقِّ أَيْجَلُ لِلْقَاضِي أَنْ يَقْضِيَ بِقَوْلِ النِّبْيَةِ (إِذَا لَمْ يَعْرِفْهُمْ مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ) فَقَالَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَأْخُذُوا فِيهَا بِظَاهِرِ الْحُكْمِ الْوَلَايَاتِ وَالتَّنَاقُحِ وَالْمَوَارِيثِ وَالدَّبَائِخِ وَالشَّهَادَاتِ فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُهُ ظَاهِرًا مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ وَلَا يَسْأَلُ عَنْ بَاطِنِهِ وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ نَحْوَهُ وَذَكَرَ الْأَنْسَابُ مَكَانَ الْمَوَارِيثِ (حَرْعَامِلِي، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۹۰).

به ظواهر در دعاوی خانواده می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. خامساً؛ تحقیق پیرامون غایت و علت در مقررات شرعی کیفیت قضا و دادرسی نشان می‌دهد. هدف شارع، امور رئیسیه مانند منع از هدر رفتن خون، عرض و مال مسلمان است و سایر امور، تشریفات قضا و یا حداکثر اسباب و طرق نیل به این اغراض محسوب می‌شوند. قواعدی مانند قاعده احترام اعم از مال و جان مسلمان و قاعده حرمت جان، مال، عرض و عمل مسلمان، دستگاه قضا را مکلف به صیانت از این رئوس نموده و مسلماً در برابر مقررات اجرایی باید اولویت را به این امور داد. عناوینی مانند «لایصلح ذهاب حق احد» و «لئلا لایبطل دم امرء المسلم» در روایات، اهتمام شارع را رسانده و به این قبیل امور موضوعیت می‌بخشد. در نتیجه حتی اگر استشمام شرط حضور در محکمه از ادله بشود البته این مطلب قابلیت اثبات تاکنون در روایات نداشته است در تراحم میان احقاق حق و تأمین شرط حضور، مسلماً اولویت با ملاک برتر (از مرجحات باب تراحم) یعنی تأمین حقوق مترافعین است؛ ولو به طریق غیرحضور برای قاضی و طرفین دعوا باشد.

۲-۱-۵. نظرات فقها

آراء فقها در تبیین کیفیت حکم و قضا از جهت تبیین شرط حضور به دو قسم است: اکثریت اقوال به این موضوع نپرداخته‌اند و برخی از فقها که به این موضوع توجه نموده‌اند به طور بدیهی شرطیت حضور را نفی نموده‌اند. به قطع می‌توان گفت قسم اول که به تمام تفاسیل مقررات قضا پرداخته‌اند ولی سخنی از این موضوع نفیاً یا ایجاباً به میان نیاورده‌اند و عدم شرطیت را مفروض دانسته‌اند؛ چرا که این مطلب نه در خلال روایات مطرح شده و نه به تأیید عقل قطعی می‌رسد. هر چند نمی‌توان منکر مزایای محکمه حضوری شد ولی وقتی قوانین فقهی ما علم قاضی را مستقل از بینه حجیت

می‌دهد و همه ادله و امارات^۱ را در خدمت کشف حقیقت قرار می‌دهد، قاعدتاً نمی‌توان لزوم و شرطیت برای موضوع محکمه حضوری قائل شد. به تعبیر مرحوم کاشف الغطاء نباید برای مواجهه و حضور، اعتبار ذاتی در نظر گرفت. ایشان می‌فرماید: حضور و مواجهه نزد قاضی، از اعتبارهای حکم حاکم است نه اینکه اعتبار ذاتی داشته باشد و در تحقق قضاوت شرط نیستند.^۲ لذا در نظر فقهای امامیه، نقش حضور در محکمه کارکردی طریقی بوده است؛ بدین معنا که برای مثال، از اسباب احراز عدالت در بینه می‌باشد. نه اینکه این احراز موکول به حضور در نزد قاضی باشد. مرحوم محقق سبزواری در این باره می‌فرماید: در بحث بینه و شاهد چنین است که بینه موجب حصول اطمینان نوعی (و نه شخصی) به مفادش شده و مانند علم حجت عقلایی محسوب می‌شود و اینکه گفته می‌شود حجیت بینه نیازمند اقامه آن در محضر حاکم است به این دلیل است که غالباً احراز عدالت بینه در صورت حضور در نزد حاکم رخ می‌دهد نه اینکه احراز همه جهات دادرسی مشروط به حضور در نزد حاکم باشد.^۳ حقیقتاً چنین است که غالباً حضور نزد قاضی، این احراز را بیشتر ممکن می‌سازد؛ اما اینکه احراز صدق، امانت، عدالت و جزم منوط به حضور و مشافهه باشد به درک عقل نمی‌آید. از همین جا کارکرد حضور هم معلوم می‌شود که طریقت دارد. در واقع محکمه موظف است ادله ایجابی یا سلبی وجود یا عدم حق را بررسی کند و سپس در مطابقت با قوانین حکم نهایی را صادر کند. این بررسی می‌تواند بدون حضور فیزیکی هم انجام شود؛ مگر آن که خلاف آن

۱. اماره نوعاً کاشف از علم است و مرحوم نراقی فرموده است: مطلق الاماره المنتهی الی العلم علم ایضا و مثلاً خبر واحد هم علم آور است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۷)؛ در نتیجه می‌توان گفت اماره در خدمت کشف از حقیقت است همان طور که علم چنین است.

۲. لا یعتبر فی تحقیق معناها حضور الحاکم و لامواجهه الخصمین و انما هذه الخصوصیات معتبره فی مقام اعتبارها فی الخصومة و حکم الحاکم بها لا فی مقام اعتبارها بذاتها (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۱۱۳).

۳. «إن البینه توجب حصول الاطمئنان النوعی بمفادها، و هو حجة عقلائیة کالعلم، و القول باختصاص حجیتها بما إذا قامت لدى الحاکم الشرعی إنما هو لأجل أن إحراز العدالة المعتبرة فیها، و سائر جهات الشهادة لا تثبت غالباً إلا عنده، لا أنه علی فرض إحراز جمیع الجهات لا تكون معتبره إلا لديه» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۷۱).

در مواردی به گواه عرف و تعیین حاکم معلوم گردد.

۵.۲. امکان سنجی توسعه مفهوم حضور در دادرسی

به رغم آن که شرطیت «حضور» در دادرسی، از طریق بررسی ادله و آرای فقها ثابت نشد اما برای آن که برخلاف قدر متیقن از شرایط قضاء و محکمه رأی نداده باشیم می توان همین مفهوم حضور را در دادرسی توسعه بخشید. زیرا آن چه در بحث دادرسی الکترونیکی کارگشا می باشد، نیل به توسعه مفهوم حضور می باشد. توضیح بیشتر آن که، در صورت توسعه مفهوم حضور، اشراف و احاطه قاضی از طریق ویدئو کنفرانس تامین می شود، لذا تمام آثار محکمه حضوری نیز به دست می آید. در این امکان سنجی توسعه معنای حضور، می توان این موضوع را در بحث حلف و استخلاف مورد واکاوی قرار داد. مرحوم گیلانی رشتی در این باب در کتاب خود آورده است: «مرحوم صاحب شرایع معتقد است؛ استخلاف فقط در مجلس قضا صحیح است؛ مگر در صورت عذر (بیماری و مانند آن) یا زنی که امتناع از حضور در مجمع رجال دارد که در این صورت برای وی نائب قرار می دهد تا نائب قاضی وی را در منزلش قسم بدهد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۸۰) مرحوم محقق رشتی در تبیین نظر صاحب شرایع معتقد است؛ منظور از مجلس قضا یا مجلس نوعی (محکمه) یا شخصی (محل وقوع خصومت) است که متبادر از مجلس قضاء همان معنای اول (محکمه) است و نیز متبادر از حلف در مجلس، حلف به شرط حضور حاکم است هر چند حلف در مجلس قضا یعنی چه حاکم حضور داشته باشد یا خیر؛ سپس ایشان برای عبارت شرایع و معنای مجلس قضا چند احتمال را مطرح می کند؛ از جمله آن که:

(الف) وقوع حلف در حضور حاکم، چه حاکم در مجلس قضا (نوعی یا شخصی) باشد چه جای دیگر باشد؛

(ب) وقوع حلف در مجلس قضا، چه حاکم باشد چه نباشد؛

(ج) وقوع حلف در حضور حاکم و در مجلس قضا که قدر متیقن همین

است؛

(د) احتراز از حلف در بیت.

در هر صورت تعیین یکی از این احتمالات مشکل است، مسئله هم مستند ندارد. البته قدر متیقن آن است که حلف بدون حضور حاکم و بدون مجلس قضا ارزش ندارد به دلیل آن که احکام قضاوت توقیفی است و اطلاق ادله یمین ثابت نمی‌شود؛ ضمن اینکه طریق رایج بین مسلمانان در استحلاف بدین شکل است»^{۱۰}.

لذا می‌توان با الغاء خصوصیت از مبحث «حلف و استحلاف»، این بحث را برای انواع دادرسی مورد استناد قرار داد توضیح بیشتر آن که مرحوم محقق حلی معذوریت‌های زنان را برای استنباط به معنای عدم حضور در جلسه رسمی دادرسی پذیرفته است. مرحوم محقق رشتی نیز احتمالات مختلف را حتی بدون حضور حاکم پذیرفته است. عدم حضور حاکم و حضور طرفین دعوا در مجلس قضا و عدم حضور طرفین دعوا در مجلس ولی حضور حاکم در مجلس قضا، دو حالتی هستند که رخصت مترافعین را به دنبال

۱. «قال فی الشرائع: لا يستحلف الحاكم أحدا إلا في مجلس القضاء الا مع العذر كالمرض المانع و شبهه، و حينئذ فيستنبط الحاكم من يحلفه في منزله، و كذا المرأة التي لا عادة لها بالبروز الى مجمع الرجال و الممنوعة بأحد الاعذار. و اعلم أن المراد بالاستحلاف في العبارة و في أحاديث الباب و كلمات الأصحاب هو الحلف عن طلب كالاستنباط، لا مجرد طلب الحلف أو الاذن بناء على كون الاستفعال لمجرد طلب الفعل حصل أو لم يحصل، لان الاستفعال أحد إطلاقاته ما ذكرناه من تحصيل الفعل عن طلب، و أمثله كثيرة، و هو المراد، لأن الاذن في الحلف الظاهر أنه لا يعتبر فيه المجلس، فلو أذن في غيره و حلف فيه أجزأ على القول باعتبار المجلس. ثم المراد بمجلس القضاء اما المجلس النوعي و هو ما بنى للقضاء فيه و اما المجلس الشخصي و هو ما وقع فيه الخصومة و الدعوى. و المتبادر من العبارة هو الأول، و حينئذ فالمعتبر هو وقوع الحلف فيه حضر الحاكم أم لا، و على الثاني فالمتبادر اشتراط الحضور. و كيف كان ففي العبارة احتمالات: أحدها أن يكون المقصود وقوع الحلف في حضور الحاكم، سواء كان الحاكم في مجلس القضاء النوعي أو الشخصي أو لم يكن فيه، و الثاني اعتبار كون الحلف في مجلس القضاء بأحد المعنيتين حضر الحاكم أو لم يحضر. و الثالث أن يكون الحلف في مجلس الحكم و حضور الحاكم و هذا أخص من الأولين، و الرابع الاحتراز عن الحلف في البيت لا في حضور الحاكم و لا في مجلس القضاء. و تعيين أحد الاحتمالات على وجه يتعين القول به احتمالا و منحلا مشكل. ثم المسألة لا مستند لها في الأدلة. و كيف كان فالقدر المتيقن من هذه العبارة و أمثالها هو عدم جواز حلف الحاكم إلا في بيته، بمعنى عدم سقوط حلف المدعي بذلك بدون حضور الحاكم و بدون أن يكون في مجلس القضاء. و هذا يمكن الاستدلال عليه بتوقيفية القضاء و عدم ثبوت إطلاق أدلة اليمين باعتبار ورودها في مقام بيان أصل الميزان، مضافا الى الطريقة المألوفة المعهودة بين المسلمين من عدم الاستحلاف إلا في مجلس الحكم و المرافعة. » (گیلانی رشتی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۸۴).

دارد؛ البته قدر متیقن حضور هر قاضی و طرفین دعوا در مجلس قضا است. این احتمالات متنوع، احتمالاتی هستند که برای دادرسی الکترونیکی هم می‌توان قائل شد؛ به ویژه آن‌که در این روایات تصریح به شرطیت مجلس قضاء نشده است.

برخی از فقها این موضوع را موکول به احتمال نموده‌اند و به‌طور قطع اشتراط حضور را نفی نموده‌اند و معتقدند: «نباید گفت اقرار در روایت بدون حضور حاکم معتبر نیست زیرا دلیلی بر اختصاص اعتبار نزد حاکم بودن نداریم و اطلاق روایت این مطلب را نمی‌رساند. درست مثل نقش بینه در کشف واقع که این نقش هم در حضور و هم عدم حضور حاکم حاصل می‌شود؛ البته وقتی بینه نزد حاکم برود بر اساس آن حکم می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌شود و قاعدتا در غیر ارجاع امر به حاکم این آثار مترتب نمی‌شود»^{۱۰}. البته ممکن است این اشکال مطرح شود که طبق این نظریه، ارائه بینه نزد حاکم در مقابل غیرحاکم است و بحث توسعه حضور در این پژوهش، حضور غیرحاکم نیست، بلکه حضور حاکم است در حالی که توسعه یافته باشد. در پاسخ باید گفت؛ این اشکال نیز قابل رفع است؛ زیرا وقتی ارکان دادرسی در هر صورت حجیت دارند (چه در محضر حاکم و چه در محضر غیرحاکم) و فقط نیازمند ارجاع به حاکم برای صدور حکم هستند حاکم می‌تواند در هر شرایط از مراحل دادرسی از استماع دعوی تا تلقی بینه و ملاحظه امارات، از طریق ویدئو کنفرانس، ادله و مستندات را

۱. لا ینقال: بأن ما فی الروایة من الإقرار بأن أحدهما للمدعی ینستفاد منه کونه لدی الحاکم، إذ التداعی والإقرار ونحو ذلك إنما یكون فی حضور الحاکم ولا عبرة بتلك الأمور لولا حضوره، فالأمر مرجوع إلی الحاکم و هو خارج عن البحث، لما أشیر إلیه آنفا، فلا بد الآن من بیان ما لم یرفع الأمر إلیه، فلا مجال للتعدی من ذلك الخبر إلیه. لأننا نقول: لا دلیل علی اختصاص اعتبار تلك الأمور فیما إذا كانت عند الحاکم، و لا شهادة فی إطلاق الروایة أنها كانت لدیه، إذ هی نظیر البینه كما أنها حجة لدی الحاکم و المخاصمة عنده، كذلك حجة لدی غیره و معتبرة عنده، نعم یفصل بهای بالتداعی و الإقرار و نحو ذلك بین الخصمین ظاهرا فیما یرفع الأمر إلی الحاکم، فإذا حکم بحکم، یحکم بأنه لازم الاتباع للخصمین و بأنه نافذ ظاهرا فی حق جمیع الناس، و أما واقعا فلا تبرأ ذمة الکاذب إلا بأداء ما عنده من مال الغیر إلیه، و كذلك هنا لو حکم بالتوزیع مع علم بعضهم بعدم الاستحقاق» (محقق داماد، ۱۴۱۸، ص ۳۰۹).

به‌دست آورد و براساس آنها رأی بدهد؛ لذا توسعه حضور به معنای توسعه مفهوم ارجاع‌امر به حاکم خواهد بود. ضمن اینکه مفهوم ارجاع، ملازمه‌ای با دادرسی حضوری و فیزیکی ندارد.

همچنین مشابه توسعه معنای حضور، در توسعه معنای علم در شهادت - این که شهادت باید مستند به علم باشد -، نیز چنین استدلالی وجود دارد. یکی از فقه‌های معاصر در بررسی این مطلب می‌فرماید: «در این موضوع دو رأی وجود دارد و در مقابل رأی صاحب ریاض، صاحب جواهر به چند دلیل معتقد است این توسعه هیچ منعی ندارد. از جمله اینکه اگر شهادت به مشاهده بود ما نباید می‌توانستیم شهادت به نصب امیرالمومنین علی (ع) در واقعه غدیر بدهیم و نباید شهادت اعمی جایز می‌بود و اصلاً نباید شهادت اخبار بدون مدخلیت حضور جازم باشد، حال آن‌که علم ضروری حاصل از خبر متواتر، مثل علم عینی در شهادت است» و اصلاً در آیات قرآن نیز این معنا وجود دارد و مثلاً در دلالت آیه «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة»، مراد از شهادت الهی، منظور مشافهه خداوند و مشاهده عینی نیست» (سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۳). البته شهادت در کلام فوق، شهادت اصطلاحی نیست که که بخواهیم در محکمه شهادت به نصب حضرت (ع) بدهیم ولی قابل استفاده از طریق تنقیح مناط هست. یعنی ملاک در اصل تلقی و قبول وقوع یک معنا ولو بصری، بصری و شهودی نیست و از غیر شهود نیز می‌توان به وقوع حادثه‌ای علم یافت و در نتیجه اعمی نیز می‌تواند علم به موضوع بصری بیابد. هر چند نمی‌خواهیم رای دهیم شهادت اعمی در امور بصری پذیرفته است.

لذا توسعه معنای حضور نیز همین مبنا را دارد. هرگاه عواملی بتواند درک حضوری حاکم نسبت به مفاد بینه و اظهارات ترافعی طرفین دعوا و اقرار و تصدیق را میسر کند درواقع حضور حاکم فراهم شده بدون آن که تلاقی خارجی حاکم و سایر ارکان دادرسی (حضور فیزیکی) فراهم شده باشد. این

معنا که به سهولت به درک عقل می‌آید در فتوای معاصرین نیز منعکس است. از جمله در استفتایی از محضر آیت‌الله مکارم شیرازی چنین آمده است: «در زمان گذشته و همچنین در پاره‌ای از کشورها، مدعی ادله اثباتی خود را به حاکم داده و به دستور حاکم تصویر این مدارک برای مدعی علیه ارسال شده و پاسخ وی را می‌خواهند. پس از وصول اظهارات مدعی علیه، چنانچه حاکم موضوع را کافی بداند، بدون احضار طرفین، حکم لازم را صادر می‌کند. آیا این نوع روش دادرسی، مابینتی با اصول و مبانی شرع مقدس ندارد؟ جواب: در صورتی که به خاطر کمبود وقت و مشکلات دیگر، احضار طرفین میسر نشود، استفاده از این روش مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۴۱-۱۴۲)؛ لذا در این بررسی جواز توسعه مفهوم حضور، فهمیده می‌شود. یعنی حتی اگر به استناد سیره مسلمین و رویه دیرین دادرسی لزوم حضور حاکم و محکمه ثابت شود به ضرورت عقل نیز می‌توان این مفهوم را توسعه بخشید؛ همچنان که معنای علم در شهادت شاهد توسعه می‌یابد؛ یعنی همان‌طور که حضور فیزیکی و خارجی، حضور است حضور از طریق ابزارهای ارتباطی معاصر همچون ویدئو کنفرانس نیز، حضور است.

۶. ظرفیت‌های حقوقی دادرسی الکترونیک در دعاوی

در این قسمت به منظور امکان‌سنجی تشکیل جلسه رسیدگی به صورت الکترونیک در محاکم، لازم است به بررسی ظرفیت‌های حقوقی در نظام حقوقی ایران پرداخته شود. به صورت کلی، در فصل هشتم در قانون برنامه پنج ساله توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ به ذکر مصادیقی از کیفیت دادرسی نظیر، تسریع در رسیدگی (بند ج ماده ۲۱۱)؛ ارتقای کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها (بند ز ماده ۲۱۱)، افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی (بند ح ماده ۲۱۱)، طراحی سامانه الکترونیکی کاهش زمان

دادرسی و استانداردسازی زمان دادرسی (بند ک ماده ۲۱۱) پرداخته است. به‌طور خاص نیز؛ قانون‌گذار در ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری چنین مقرر داشته است: «به‌کارگیری سامانه‌های ویدیو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت گیرد». ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز بیان داشته: «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به‌صورت مکتوب، صوتی_ تصویری زنده و یا ضبط شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است».

براساس این دو ماده می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار، اصل به‌کارگیری ویدئو کنفرانس را در دعاوی پذیرفته است؛ لیکن به لحاظ حساسیت موضوع، آن را مقید به رعایت برخی شرایط نموده است.

پیرامون دعاوی حقوقی نیز، گرچه جواز استفاده از ویدیو کنفرانس در قوانین کیفری آمده؛ اما این موضوع بدین معنا نیست که نمی‌توان از این سامانه‌ها در دعاوی حقوقی استفاده کرد؛ زیرا اولاً منعی برای تسری این جواز از دعاوی کیفری به دعاوی حقوقی وجود ندارد؛ ثانیاً دعاوی کیفری به دلیل اینکه معمولاً به‌صورت مستقیم با نفس، عرض و ناموس انسان‌ها مرتبط است، حساسیت‌های ویژه‌ای می‌طلبد؛ اما همواره استفاده از ویدئو کنفرانس در این دعاوی جایز دانسته شده است؛ لذا به‌طریق اولی در آن دسته از دعاوی مانند دعاوی حقوقی که این حساسیت‌ها وجود ندارد، استفاده از ویدیو کنفرانس نباید با مانعی روبرو باشد.

ضمن اینکه ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی بیان داشته است: «اصحاب دعوی می‌توانند در جلسه دادرسی حضور یافته، یا لایحه ارسال نمایند». باتوجه به اینکه داشتن وکیل، امری الزامی نیست، می‌توان گفت که وفق این ماده، حتی اگر اصحاب دعوی، وکیل هم نداشته باشند، لازم نیست

که حتماً در جلسه رسیدگی حاضر شوند و حضور فیزیکی ایشان موضوعیت ندارد، بلکه لوایحی که ارسال می‌کنند، می‌تواند دادگاه را از حضور فیزیکی ایشان بی‌نیاز کرده و بر همان مبنا نیز جلسه رسیدگی برگزار و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد؛ با این مقدمات می‌توان به این نتیجه دست یافت که به موجب ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اصولاً حضور فیزیکی اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی موضوعیت ندارد و الزامی نیست، لذا اگر اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی حاضر نشوند. قانونگذار دو شیوه را پیش‌بینی کرده که دادگاه را از حضور ایشان بی‌نیاز می‌کند: ۱- ارسال لایحه؛ ۲- دادن وکالت به یکی از وکلای دادگستری؛ لذا همان‌طور که طبق ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، ارسال لایحه از مصادیق حضور غیرفیزیکی است؛ پس استفاده از طریق ویدیو کنفرانس نیز مصداق دیگری از حضور غیرفیزیکی است، لذا بلامانع است. در نتیجه، اگر زمانی دستگاه قضایی تصمیم بگیرد که از سامانه‌هایی همچون ویدیو کنفرانس در دعاوی حقوقی بهره بگیرد، با قانون آیین دادرسی مدنی تعارضی ندارد؛ زیرا این قانون تاکنون دو شیوه را پذیرفته که به موجب آن اصحاب دعوا لازم نیست که حتماً به صورت فیزیکی در دادگاه حاضر شوند؛ پس این ظرفیت را دارد که شیوه سوم را نیز بپذیرد. البته باید توجه داشت وفق ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد: «... در مواردی که دادرس، حضور شخص خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند، این موضوع در برگ اختاریه قید می‌شود. در این صورت، شخصاً مکلف به حضور خواهند بود»، حضور فیزیکی طرفین دعوا ضرورت دارد.

بنابراین می‌توان گفت یکی از علل سکوت قانون آیین دادرسی مدنی درباره استفاده از سامانه‌هایی همچون ویدئو کنفرانس، ریشه در در زمان تصویب این قانون دارد چرا که در زمان گذشته، استفاده از این سامانه‌ها رواج نداشته است و مشکلاتی از این قبیل همچون اطاله دادرسی و... فراروی

سیستم قضایی کشور نبوده است.

حاصل سخن آن‌که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران طبق زیرساخت‌های حقوقی، استفاده از سامانه‌های ارتباطاتی همچون ویدئو کنفرانس در دعاوی کیفری بنابر تصریح قانون، با رعایت برخی شروط بلامانع است. در دعاوی حقوقی نیز گرچه استفاده از این سامانه‌ها پیش‌بینی نشده، اما می‌توان با بهره‌گیری از ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی، از این سامانه‌ها با رعایت شروط و قیود این ماده، در دعاوی حقوقی هم استفاده کرد. این موضوع با ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز همخوانی دارد.

۷. ظرفیت‌سنجی دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی

چنان‌که گذشت، قانون‌گذار در دعاوی کیفری براساس مواد ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، اصل استفاده از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی مانند ویدئو کنفرانس برای تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت شهود و جلب نظر کارشناسی را پذیرفته است. در دعاوی حقوقی طبق قانون آیین دادرسی مدنی، نصوص قانونی موجود، استفاده از این سامانه‌ها را پیش‌بینی نکرده است اما همان‌طور که بیان شد طبق ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، چنین ظرفیتی وجود دارد که جلسه دادرسی به‌صورت الکترونیک برگزار نمود. چرا که مطابق ماده ۹۳ و ۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی، حضور اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی الزامی نیست و دادگاه می‌تواند بدون حضور ایشان به دعوی رسیدگی و حکم مقتضی را صادر نماید. از حکم این دو ماده می‌توان پی برد که حضور اصحاب دعوی در جلسه دادرسی از مصادیق تشریفات دادرسی است، نه اصول دادرسی؛ زیرا اگر حضور فیزیکی اصحاب دعوی از اصول دادرسی بود، آنگاه باید حتماً در جلسه دادرسی حضور می‌یافتند، حال که حضور ایشان الزامی نیست و صحت حکم محکمه را با مشکل مواجه نمی‌سازد،

لذا باید نتیجه گرفت که حضور اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی، مصداق تشریفات دادرسی است.

از آنجا که دعاوی دادگاه خانواده از مصادیق دعاوی حقوقی است، پس اصولاً بهره‌گیری از ویدیو کنفرانس در دعاوی خانوادگی حکمی مشابه با به‌کارگیری این گونه امکانات در سایر دعاوی حقوقی دارد؛ البته رسیدگی به این دسته از دعاوی، حساسیت‌های ویژه‌ای دارد که آن را از سایر دعاوی متمایز می‌سازد؛ چراکه دادرسی خانواده از ویژگی‌های متفاوتی با سایر امور مدنی برخوردار است (بداغی، ۱۳۸۸، ص ۲۱)؛ به‌همین دلیل نیز قانونگذار بعضاً تمهیدات متفاوتی را برای آن اندیشیده است؛ توضیح آن که یکی از ویژگی‌های آیین دادرسی مدنی در دعاوی حقوقی، تشریفاتی بودن آن است (شمس، ۱۳۸۷، ص ۲۱)؛ لیکن حذف پاره‌ای از تشریفات دادرسی به‌موجب قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱)، امکان این را می‌دهد تا دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی با سهولت و سرعت بیشتری نسبت به دعاوی کیفری انجام شود؛ لذا باید گفت این امر در راستای اهداف دادرسی الکترونیک از جمله رفع اطاله دادرسی و تسریع در امور جاری دادگاه خانواده کارساز می‌باشد.

عدم رعایت تشریفات دادرسی مدنی در دادگاه خانواده آثار متعددی نظیر پذیرش سهل و آسان اعسار از هزینه دادرسی، ابلاغ سهل الوصول، صدور قرار تأمین خواسته با شرایط کمتر، صدور دستور موقت با فوریت بیشتر به دنبال دارد.، لذا حذف پاره‌ای از تشریفات دادرسی به‌موجب قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱)، این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی با سهولت و سرعت بیشتری به دعاوی رسیدگی شود.

قانون‌گذار وفق ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ تصریح نموده: «رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت

تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود». در ماده ۹ همین قانون نیز بیان نموده است: «تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده، تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نمابر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به هر طریق انجام دهد در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است.»؛ لذا از مهم‌ترین نتایجی که از تلفیق ماده ۸ و ۹ حمایت خانواده، حاصل می‌شود این است که قانونگذار رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی را جز در زمینه تقدیم دادخواست و شیوه ابلاغ، در دادگاه خانواده لازم ندانسته است (توکلی، ۱۳۹۷، ص ۵۸)؛ بدین ترتیب عدم لزوم تبعیت دادگاه خانواده از تشریفات دادرسی طبق مواد ۸ و ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، چنین امکانی می‌دهد که نحوه برگزاری جلسه که از مصادیق تشریفات دادرسی است؛ به نحو الکترونیکی برگزار شود.

البته باید گفت جواز عدم رعایت تشریفات دادرسی در دعاوی دادگاه خانواده، موضوع جدیدی نیست، بلکه در ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ و همچنین در ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب سال ۱۳۵۸ نیز پیش بینی شده است؛ اما در هیچ یک از این قوانین و حتی در قانون آیین دادرسی مدنی، تعریفی از اصول دادرسی و تشریفات دادرسی ارائه نشده است. این امر موجب گشته که بعضاً قضات در رویه قضایی، چندان به آن پایبند نباشند. این موضوع همچنین منجر به صدور آرای ناشی از سلاقی متفاوت و تعارض در آرا در دادگاه خانواده شده است (مهاجری، ۱۳۹۰، ص ۵۲-۵۴).

به نظر می‌رسد، بهتر بود که قانونگذار با افزودن یک تبصره به یکی از مواد ۸ یا ۹ قانون حمایت خانواده، منظور خود را از تشریفات دادرسی که رعایت آن در دعاوی خانواده لازم نیست، ارائه می‌داد؛ نظیر کاری که قانون شورای

حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ انجام داده است. ماده ۱۸ این قانون درباره اصول دادرسی در شورای حل اختلاف بیان داشته: «رسیدگی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است. تبصره ۱ - اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است...».

ماده ۱۹ این قانون نیز درخصوص تشریفات رسیدگی تصریح نموده: «رسیدگی شورا تابع آیین دادرسی مدنی نیست.

تبصره ۱ - منظور از تشریفات در این ماده، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است...».

لازم به ذکر است با اینکه قانون شورای حل اختلاف، مصادیق تشریفات و اصول دادرسی را بیان کرده، اما نمی‌توان این مصادیق را در دعاوی خانوادگی نیز صادق دانست؛ زیرا این قانون در مقام صدور حکمی کلی درباره همه دعاوی و همه مراحل رسیدگی نبوده است و صرفاً در پی این است که مفهومی از تشریفات و اصول دادرسی در «شورای حل اختلاف» ارائه دهد.

البته می‌توان جهت تمایز تشریفات از اصول دادرسی، چنین معیاری قائل شد مبنی بر اینکه اگر تأثیر برخی مقررات دادرسی صرفاً در راستای پیشبرد دعاوی باشد و اگر آن دعوا بدون آن‌ها طرح و رسیدگی شود، عدم رعایت این مقررات، به حدی نیست که عادلانه بودن دادرسی را مخدوش کند. این مقررات تشریفات دادرسی را تشکیل می‌دهد؛ مانند مقررات راجع به هزینه دادرسی؛ اما دسته دیگری از مقررات، به گونه‌ای است که رعایت آنها در هر حال، لازم الاجرا و غیرقابل نقض است؛ مانند اصل بی‌طرفی دادرس (بداعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)؛ به عبارت دیگر، اصول دادرسی، بر سایر مقررات

حاکمیت دارد و بیانگر تحقق عدالت در حل و فصل دعاوی است (غمامی و محسنی، ۱۳۹۱، ص ۲۳)؛ اما تشریفات دادرسی علیرغم تأثیراتی که در اجرای عدالت دارد، دارای چنان اهمیتی نیست که عدم رعایت آن موجب بی‌اعتباری رأی دادگاه شود؛ البته پاره‌ای از تشریفات، مقدمه اجرای اصول دادرسی است و نقض آن، بر صحت و اعتبار رأی صادره تأثیر می‌گذارد؛ مانند قرعه انداختن برای انتخاب کارشناس (بداعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

توضیح بیشتر آن‌که یکی از مصادیق اصول رسیدگی، حق دفاع اصحاب دعوی است که به‌عنوان یک اصل بنیادین، به تحقق عدالت مربوط می‌شود و باید به صاحب حق تفهیم شود؛ اما نحوه اعلام این حق و چگونگی استماع دفاعیات، جزء تشریفات دادرسی است (عشق‌پور و حاتمی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴) بنابراین گرچه معمولاً نحوه استماع اظهارات اصحاب دعوی، به شیوه حضوری است، اما اگر اظهارات آنان از طریق امکاناتی همچون ویدیو کنفرانس استماع شود، خللی به اصول دادرسی وارد نمی‌شود و صرفاً در تشریفات دادرسی تغییری رخ می‌دهد؛ زیرا تحقق عدالت و حق بنیادین اصحاب دعوی خدشه‌دار نمی‌شود. این تغییر در تشریفات دادرسی، حتی مقدمه اجرای اصول دادرسی نیست. بنابراین بهره‌بردن از امکاناتی همچون ویدیو کنفرانس در دعاوی خانوادگی، تصرف در اصول دادرسی نیست، بلکه مصداق تصرف در تشریفات دادرسی است؛ لذا می‌توان اصولاً در این دعاوی از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی استفاده کرد؛ زیرا نحوه برگزاری جلسه دادرسی، مصداق تشریفات دادرسی است، نه اصول دادرسی. البته این موضوع در بعضی از دعاوی خانوادگی همچون طلاق، حضانت، خلاف مصلحت است و صحت، دقت و عادلانه‌بودن آرای صادره را با تردید روبرو می‌کند. در بحث بعدی، به موانع و احتمالات پیش‌روی دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی پرداخته خواهد شد.

بنا به نظر برخی حقوقدانان، تأثیر برخی مقررات دادرسی صرفاً در راستای

پیشبرد دعاوی است و اگر دعوایی بدون آنها طرح و رسیدگی شود، عدم رعایت این مقررات، به حدی نیست که عادلانه بودن دادرسی را مخدوش کند. این مقررات تشریفات دادرسی را تشکیل می دهد؛ مانند مقررات راجع به هزینه دادرسی؛ اما دسته دیگری از مقررات، به گونه ای است که رعایت آنها در هر حال، لازم الاجرا و غیر قابل نقض است؛ مانند اصل بی طرفی دادرسی (بداغی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)؛ به عبارت دیگر، اصول دادرسی، بر سایر مقررات حاکمیت دارد و نمودار مفاهیم کلی عدالت در حل و فصل دعاوی است (غمامی و محسنی، ۱۳۹۱، ص ۲۳) اما تشریفات دادرسی علیرغم تأثیراتی که در اجرای عدالت دارد، دارای چنان اهمیتی نیست که عدم رعایت آن موجب بی اعتباری رأی دادگاه شود؛ البته پاره ای از تشریفات، مقدمه اجرای اصول دادرسی است و نقض آن، بر صحت و اعتبار رأی صادره تأثیر می گذارد؛ مانند قرعه انداختن برای انتخاب کارشناس (بداغی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

۸. محدودیت ها و موانع پیش روی دادرسی از طریق ویدئو کنفرانس

دادرسی الکترونیک در محاکم، با برخی حساسیت ها و مشکلات ۱ همراه است؛ لذا باید پیرامون دعاوی خاص و حساس با احتیاط بیشتری عمل نمود؛ به عنوان مثال، اگر در پی دادرسی الکترونیک در دعاوی خانواده، قاضی دادگاه با تسامح در تشخیص مصالح که ناشی استفاده از ویدئو کنفرانس است، حضانت طفل را به شخصی دهد که صلاحیت حضانت را نداشته باشد، احتمال ورود آسیب های جبران ناپذیر به کودک به میزان زیادی افزایش می یابد؛ چرا که دادرسی الکترونیک حداقل از سه جهت، عادلانه بودن

۱. استفاده از ویدئو کنفرانس در دعاوی حقوقی، در دادگاه میثیگان ایالت متحده امریکا به صورت آزمایشی مطرح گردید تا در انتها نظر شهود، قضات و هیأت منصفه درباره کیفیت و نتیجه دادرسی اخذ گردد؛ اما بعضی مشکلات مانع توسعه این نحوه دادرسی گردید که عبارت است از:
- ریسک پذیر بودن استفاده از دادگاهی که تاکنون فردی از آن استفاده نکرده است.
- بی اطلاعی از هزینه های این دادگاه.
- بی اطلاعی از نحوه استفاده از این دادگاه (Ponte, 2003, v4, p75).

دعاوی را مورد تردید قرار می‌دهد:

۱. قاضی در تشخیص صحت و سقم گفتارهای اصحاب دعوی با سختی زیادی روبرو می‌شود.

۲. انتقال احساسات توسط اصحاب دعوی به قاضی با مشکل مواجه می‌شود.

۳. اصحاب دعوی به‌طور کامل احساس نمی‌کنند که در دادگاه حضور دارند.

از نظر علم روانشناسی، دیدن چهره افراد درگیر دعوا از نزدیک، دارای آثاری است؛ ازجمله اینکه به راحتی می‌توان استرس روانی آنان، حرکات صورت و دست، لرزش صدا و... را مشاهده نمود و این موضوع در تشخیص صحت و سقم کلام آنان مؤثر است؛ البته این تشخیص، در حضور فیزیکی بیشتر تحقق می‌یابد (مهرافشان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰) برای تشخیص صحت و سقم کلام در هر فردی، سه شاخصه روانی قابل بررسی است: صورت، بدن و صدا. رخنه‌پذیرترین این شاخص‌ها صدا می‌باشد. پس احتمال بیشتری می‌رود که دروغ گفتن شخص را از طریق صدایش دریابیم. در مقابل، اعضای بدن قابلیت کنترل بیشتری دارد؛ یعنی کمتر می‌توان از حرکات بدن، دروغگویی شخص را فهمید و «صورت» بین این دو شاخص وجود دارد. حرکت چشم، حرکت بدن و نداشتن تمرکز در نگاه کردن به یک نفر و مانند آن، لزوماً نشانگر دروغ و فریب نمی‌باشد. افراد دروغگو معمولاً چون می‌دانند که دیگران نسبت به حرکات بدنی آنها حساس هستند و از حرکات بدنی پرهیز می‌کنند. به همین جهت تمرکز بر حرکات صورت و بدن برای فهم دروغگویی، در اکثر موارد بی‌فایده است و باید بر صدای فرد تمرکز کرد (Roth, 2000, pp.207-208). جای سؤال است که صدای لرزان و فاقد کنترل که ناشی از دروغگویی باشد، چه زمانی ایجاد می‌شود؟ مسلماً افراد درگیر در دعوا وقتی با هم روبرو و چهره به چهره شوند، این حالت بیشتر اتفاق می‌افتد و در صورتی که جلسه دادگاه از طریق ویدیو کنفرانس

برگزار شود، آسان‌تر می‌توان دروغ گفت و قاضی نیز به سادگی این سخنان را باور می‌کند (مهرافشان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

از سویی، افراد به سختی می‌توانند احساسات خود را بر روی کاغذ بنویسند و معمولاً مخاطب نگارش نیز احساسات نگارنده را به راحتی درک نمی‌کنند. وقتی که از نگارنده خواسته شود که همان مطالب را از طریق تماس تلفنی انتقال دهد، از نارسایی‌ها تا حدودی کاسته می‌شود و اگر از طریق ویدیو کنفرانس بخواهند به این امر مبادرت ورزند، نواقص کمتر می‌شود، اما باز هم تاحدودی نارسایی وجود که در مواجهه حضوری این نارسایی‌ها به حداقل می‌رسد. این موضوع دقیقاً درباره جلسات رسیدگی به دعاوی در محاکم نیز صدق می‌کند. اصحاب دعوی به سختی می‌توانند رفتارهایی را که با احساسات همراه بوده یا تابع احساسات بوده، از طریق ویدیو کنفرانس به قاضی منتقل کنند.

توضیح بیشتر آن‌که، ویدیو کنفرانس برای قاضی و کسانی که بارها موقعیت و شرایط دادگاه را تجربه کرده‌اند، استرس خاصی به همراه ندارد، اما برای شخصی که بار اول آن را تجربه می‌کند، دارای اثر روانی است و برای او استرس ایجاد می‌کند (همان، ص ۱۳۵). خصوصاً که در جامعه ما شهروندان زیاد به دادگاه مراجعه نمی‌کنند و ممکن است برای همان دفعات کم، تحت تأثیر استرس و بار روانی ناشی از ویدیو کنفرانس قرار بگیرند. همچنین حضور فیزیکی در دادگاه دارای اثر خاصی است که در ویدیو کنفرانس دیده نمی‌شود. ظاهر دادگاه انتقال دهنده احساس حاکم بر دادگاه است و چه بسا خود این موضوع، قاطعیت و جذبه نظام قضایی را منتقل کند (Bowen, 2004, pp. 1133-1134)؛ معمولاً جلسات غیر حضوری، آنقدر که لازم است، جدی گرفته نمی‌شود و اصحاب دعوی برخلاف جلسات حضوری، خود را در مقابل کسی که واقعا قاضی است و حکم او آثار مهمی را در زندگی وی و اطرافیانش به دنبال خواهد داشت، نمی‌بینند.

نتیجه

مقصود از دادرسی الکترونیکی در پژوهش حاضر، استفاده از امکانات الکترونیکی و انجام اقداماتی به روشی غیر از روش سنتی در تشکیل جلسه رسیدگی است؛ لذا «دادرسی الکترونیکی» به معنی تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تغییر در شکل رسیدگی است. در این نوع از دادرسی، اصل بر حضور غیرفیزیکی در طول دادرسی و محاکمه است. بدین صورت که از طرح دعوی تا رسیدگی و محاکمه و صدور حکم، روند دادرسی به شیوه الکترونیکی و غیرحضوری انجام می‌گیرد و اشخاص دخیل در پرونده از طریق رایانه و ارتباط از راه دور در جلسه محاکمه حاضر می‌شوند.

دادرسی الکترونیک در رسیدگی به دعاوی به معنای تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تغییر در شکل رسیدگی است. در این نوع از دادرسی، اصل بر حضور غیرفیزیکی در طول دادرسی و محاکمه است.. بدین صورت که از طرح دعوی تا رسیدگی و صدور حکم، روند دادرسی به شیوه الکترونیکی و غیرحضوری انجام می‌گیرد و اشخاص دخیل در پرونده از طریق رایانه و ارتباط از راه دور در جلسه محاکمه حاضر می‌شوند.

در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، به موجب مواد ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی و ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی برای تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود و جلب نظر کارشناسی، به صورت مقید مجاز دانسته است.

در قوانین حقوقی نیز گرچه قانون‌گذار پیرامون به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی در دعاوی حقوقی، در این خصوص ساکت است، اما این موضوع بدین معنا نیست که نمی‌توان از این سامانه‌ها در دعاوی حقوقی استفاده کرد؛ ضمن اینکه با وجود ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، می‌توان همواره استفاده از ویدئو کنفرانس در

دعاوی حقوقی را جایز دانست. از آنجا که دعاوی خانوادگی جزئی از دعاوی حقوقی به شمار می‌رود، اصولاً استفاده از این سامانه‌ها در دعاوی خانوادگی ممانعتی ندارد. علاوه بر اینکه حذف پاره‌ای از تشریفات دادرسی در مواد ۸ و ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، امکان پذیرش دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی را هموار ساخته است.

امکان‌سنجی مشروعیت دادرسی الکترونیکی در مقابل دادرسی حضوری و فیزیکی از طریق مطالعه منابع روایی و آراء فقهی نشان داد، بنای شارع در برپایی محکمه دادرسی، اجرای عدالت و احقاق حقوق است و تمام اسباب شرعی برای این غایت شرعی و عقلی می‌باشند. بنابراین اگر دلیل یا فتوایی، لزوم قضاوت حضوری را ثابت کند نهایتاً به موضوع حضور طریقت بخشیده و نه موضوعیت؛ البته در هیچ‌یک از دلالت‌های روایی و آرای فقهی اثری از لزوم برپایی حضوری محکمه به چشم نخورد تا بعد دعوای طریقت یا موضوعیت به میان آید؛ لذا طبق بررسی‌های فقهی، شرطیت مواجهه و حضور فیزیکی در دادرسی یافت نشد؛ لذا ایجاد امکاناتی در راستای دادرسی الکترونیک در دعاوی، محذوریت و ممانعتی ندارد.

دادرسی الکترونیک در دعاوی محاکم می‌تواند نقش مهمی در افزایش سرعت و در نتیجه کیفیت دادرسی ایفا کند، اما حساسیت‌های ویژه‌ای در این زمینه وجود دارد که باید حتماً به آن توجه شود. چراکه در برخی دعاوی از جمله دعاوی کیفری و خانوادگی حساسیت بیشتری دارد. در نتیجه قاضی در دادرسی الکترونیک بسیار سخت‌تر می‌تواند به صحت و سقم کلام اصحاب دعوی پی ببرد و خلاصه آنکه به کارگیری سامانه‌های الکترونیکی، در برخی دعاوی، اجرای عدالت را با تردید روبرو می‌کند.

پیشنهاد

با عنایت به اینکه انسان‌ها از لحاظ توانایی انتقال مفاهیم ذهنی و مقصود

خود به دیگران، متفاوت هستند؛ برخی به سادگی می‌توانند منظور خود را حتی از طریق ویدیو کنفرانس به دیگران منتقل کنند، ولی این کار برای برخی دیگر سخت است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در بهره‌گیری از سامانه ویدیو کنفرانس در دعاوی، این شیوه برگزاری جلسات دادگاه را منوط به رضایت اصحاب دعوا نمود؛ یعنی اگر همه اصحاب دعوا راضی باشند که جلسه دادگاه از طریق ویدیو کنفرانس برگزار شود، آنگاه به این امر مبادرت شود و همه آثار جلسات حضوری را نیز بر آن جلسه مجازی بار نمود و اگر حتی یکی از ایشان ناراضی باشد، جلسه به شکل حضوری برگزار گردد. در نتیجه به نظر نویسندگان، می‌توان دادرسی الکترونیک در دادگاه خانواده را در آن دسته از دعاوی به تشخیص قاضی با توجه به اوضاع و احوال پرونده که حساسیت چندانی ندارد، از طریق دادرسی الکترونیک برگزار نمود. البته مشروط بر آن که تمام اصحاب دعوا راضی باشند.

منابع

- الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی درگاه؛ «درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد»، دیدگاه‌های حقوق قضایی (دیدگاه‌های حقوقی)؛ ش ۵۸، تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۷-۷۲.
- انصاری، مرتضی؛ القضاء والشهادات؛ قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری (ره)، ۱۴۱۵ق.
- بداغی، فاطمه؛ آیین دادرسی در دادگاه‌های خانواده؛ تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- توکلی، محمد مهدی؛ مختصر آیین دادرسی مدنی؛ تهران: انتشارات مکتوب آخر، ۱۳۹۷.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
- جزایری، محمد جعفر؛ منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة؛ ج ۳، قم: فقاقت، ۱۳۹۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق؛ تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة؛ ج ۱۸ و ۲۷، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.

- حسین زاده علیایی، زهرا و احمد احمدی؛ «دادرسی الکترونیک در حقوق ایران؛ مبانی، اهداف و ویژگی ها»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری؛ ش ۳۵، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۱۷-۱۳۶.
- خزایی، منوچهر؛ «بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۹ و ۲۰، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۴۰-۱۵۶.
- خوانساری، سیداحمد؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ ج ۶، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
- زرکلام، ستار؛ «دادرسی های الکترونیکی؛ ضرورت ها، الزامات و چالش ها»، آموزه های حقوق کیفری؛ ش ۳، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- سبحانی، جعفر؛ نظام الطلاق فی الشریعة الاسلامیة الغراء؛ ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مذهب الأحكام؛ ج ۲۷، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ ق.
- سرخوش منجق تپه، بهنام و هما داودی گرمارودی؛ «بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل؛ ش ۴۳، بهار ۱۳۹۸، ص ۵۵-۷۹.
- شبان، مجید؛ مقایسه دادگاه الکترونیکی و سنتی و بررسی آن در دادگستری ایلام؛ ایلام: انتشارات دادگستری ایلام، ۱۳۸۷.
- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی؛ تهران: دراک، ۱۳۸۷.
- صدر، سیدمحمدباقر؛ بحوث فی علم الأصول؛ ج ۳، قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- عشق پور، منصور و ناصر حاتمی؛ «جایگاه تشریفات آیین دادرسی مدنی در دادگاه های خانواده»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- غنیان، مهدیه؛ بررسی میزان تعاملی بودن سایت دادگستری ایران؛ ایلام: انتشارات دادگستری ایلام، ۱۳۸۷.
- کاشف الغطاء، محمدحسین؛ تحریرالمجلة؛ ج ۲، نجف اشرف: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ ق.
- گیلانی رشتی، حبیب الله؛ کتاب القضاء؛ ج ۱، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ ج ۱۱، [بی جا]: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- محقق داماد، سیدمحمد؛ کتاب الخمس؛ تقرير عبدالله جوادی آملی؛ قم: دارالاسراء، ۱۴۱۸ ق.

- مدنی، سیدجلال‌الدین؛ *ادله اثبات دعوا*؛ تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۸۵.
- مفید، محمدبن‌محمد؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله العباد*: [بی‌جا]: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ *أنوارالأصول*: ج ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ ق.
- موسوی، احمدرضا و مریم مهاجری؛ «دادرسی الکترونیک به مثابه تهدید علیه عدالت قضایی»، *فصلنامه حقوق و فناوری اطلاعات*: ش ۲، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۱-۲۶.
- مهاجری، مریم؛ «آسیب‌شناسی لایحه جدید حمایت خانواده با تأکید بر مواد ۸ تا ۱۶ آن»، *ماهنامه کانون*: ش ۱۱۸، پاییز ۱۳۹۰، ص ۷۴-۵۱.
- مهرافشان، علیرضا؛ «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*: ش ۵، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۴۷-۱۱۹.
- مؤمن، محمد؛ «اعتبار علم قاضی در دعاوی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*: ترجمه سیدمهدی دادمرزی؛ ش ۲، زمستان ۱۳۷۸، ص ۶۷-۳۵.
- نجفی، محمدحسن؛ *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*: ج ۳۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

Bowen Poulin, Anne, Criminal Justice and Videoconferencing Technology: Remote Defendant, Vol78, Tulane Law Revie, 2003-2004.

Fabri, M., F. Contini (eds) (2003), Judicial Electronic Data Interchange in Europe: Applications, Policies and Trends, Bologna, Lo Scarabeo

Haas, Aron, Videoconferencing in Immigration Proceeding, Vol5, Pierce Law Review, 2007

Hornle, J (2009), "Cross – Border Internet Dispute Resolution", Cambridge University Press.

Ponte, Lucille, The Michigan Cyber Court: a Bold Experiment in the Development of First Public Virtual Courthouse, Vol4, North Carolina Journal of Law & Technology, 2002-2003

Robertson, C. B (2012), "The Facebook Disruption: How social Media May Transform Civil Litigation and Facilitate Access to Justice", School of law, Case western Reserve University.

Roth, Michael, Lassez- Faire Videoconferencing: Remote Witness Testimony and Adversarial Truth, Vol48, UCLA law, 2000

Treadway, Molly and Wigine, Elizabeth, Videoconferencing in Criminal Proceeding: Legal and Empirical Issues and Direction for Research , Vol28, Law and Policy, 2006